امکان استعمال «ما فی الذمه» در اباحه

شاگرد: در اباحه هم می‌شود؟

استاد: اگر عده را به‌معنای وسعت احکام تکلیفیه بگیریم... . نمی‌دانم تا به حال فکر کرده‌ای ای نه، در ذهن طلبگی همه ما هست که می‌گویند حکم ای تکلیفی است ای وضعی است. خیلی روشن است. بعد می‌گویند احکام تکلیفیه پنج تا است؛ استحباب و کراهت و اباحه. اباحه تکلیف است؟! در آنها می‌گویی که نیمه‌تکلیفی هست، اما اباحه تکلیف است؟! شما تا به حال مشکلی نداشتی و می‌گفتی اباحه یکی از احکام خمسه تکلیفیه است. یعنی آن جا که تکلیف می‌گفتی، تکلیف را طوری در نظر می‌گیری که اباحه هم مصداق آن می‌شود.

شاگرد: شاید در آن جا اشتباه کرده‌اند؟

استاد: خب اشتباهاتی رایج که خلاف ارتکازات عالم و جاهل نباشد...؛ درست است که می‌گویند «رب مشهور لا اصل له» ای «رب مشهور کان فیه الخطأ»، اما مقداری دور است و احتمالش ضعیف است که در این طور امری که در معرض دید همه است، همه اذهان بپذیرد.

شاگرد: ظاهراً این قول وجود دارد که اباحه را حکم نمی‌دانند.

استاد: خب آن اباحه‌ای که مجعول نباشد یعنی تنها چهار جعل باشد. ولی منظور من این است که همان جا اگر تکلیف را بگویند گاهی ذهن ما می‌تواند تکلیف را به‌گونه‌های ملاحظه کند که وقتی می‌گویند یکی از احکام تکلیفیه، اباحه است، جا نخورد. چطور نگاه کرده؟ خب یک معنای ساده آن این است که می‌گوییم تغلیب است. تغلیب به چه معنا است؟ یعنی وقتی پنج حکم بود که چهارتا از آنها تکلیف بود، دیگری هم طفیلی آنها است. تبعاً از چهار حکم به آن هم می‌گوییم تکلیف است. این ساده‌ترین جوابی است که می‌توان داد.

شاگرد: مستحب و مکروه هم تکلیف نیست.

استاد: بله، ولی شما می‌توانی تکلیف را طوری در نظر بگیری که استحباب هم یک جور تکلیف شود. تکلیف استحبابی. من که ذهنم با این طرف موافق است؛ یعنی ذهن ما در این دقائق خیلی عجیب رفتار می‌کند. تکلیف را طوری در نظر می‌گیرد که اباحه هم تکلیف می‌شود. همانطور که سید فرمودند تکلیف را طوری در نظر می‌گیرد که ذمه می‌شود. به ذهنم اینطور می‌رسد که حرف سید –به قصد ما فی الذمه- از جاهای ایراد داشتکردنی عروه است.

شاگرد۲: این ما فی الذمه بیش از یک عنوان است؟ یعنی اگر جایی «ما اُمِرَ به» بود.

استاد: می‌گفتند که امر نیست. شما می‌گویی امر استحبابی. اگر بگویی به آن امر شده ذهن سراغ وجوب می‌رود.

شاگرد۲: نه، ما فی الذمه‌ای که شما می‌فرمایید ای آن چیزی که حکم آن به من تعلق گرفته... .

استاد: در «ما اُمر به» سراغ شارع رفته‌اید؛ یعنی امر به آن کرده و مبدأ ذهن است. وقتی می‌گوییم ما فی الذمه، سراغ مکلف می‌آیید که مصداقی از آن انشاء است. مصداق انشاء ثبوتی این شخص شده است. می‌گویید وقتی مصداق آن است پس یک عهده دارد. عهده یعنی الآن مصداقی از آن انشاء ثبوتی است.

بازبینی #1
ایجاد شده 21 مه 2026 12:58:17 توسط ... .
به روزرسانی شده 21 مه 2026 12:59:04 توسط ... .